



نگاهی به آثار هنری جنگ  
در پیشباز آزادسازی خرمشهر

**دفاع مقدسِ مظلوم**

دوشنبه ۲ خرداد ۱۴۰۱ - ۲۱ شوال ۱۴۴۳ - ۲۳ مه ۲۰۲۲

# همه‌شکل

روزنامه

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران



یک منبع سعودی از تحرکات  
بن‌سلمان خبر داد؛

**عربستان در فاز انتقال قدرت**

سال ششم - شماره ۱۹۴۰ - ۸ صفحه - قیمت ۲۰۰۰ تومان

## حرکت شتابان کشور به سمت سالمندی

**همدلی** | افزایش جمعیت سالمندی که پیش‌تر دغدغه کشورهای توسعه‌یافته بود، اکنون دغدغه مسئولان ایرانی نیز شده است. بر اساس آمارها و اظهارات کارشناسان و متخصصان این حوزه، سیمای جمعیتی کشور با شیب تندی در حال پیر شدن است. جوری که تا سال ۲۰۵۰ بیش از ۳۰ درصد از جمعیت کشور گرد پیری به سرشان نشسته و سالخورده شده‌اند.

## افزایش حقوق بازنشستگان در انتظار مصوبه دولت

**کوناکون**  
۸ **تقاضای کم‌به‌سر رسید و اصلاحاتی که به‌خانه نرسید**  
۸ **باز هم مدد رحمت به وفای فلافل**  
۸ **دلیل سهم‌انک ایران از صنعت گردشگری**  
۸ **کجا باید و ناکجا باید در فرهنگ ایران زمین**  
۸ **ایران، یوز مادر می‌تواند دوباره باردار شود**  
۸ **کشتی آیش زنان ایران قهرمان آسیا شد**  
۸ **با افتراح جدید، جاپ سه‌بعدی ماهواره در فضا ممکن شد**  
۸ **روزی که جنگ‌های ۳۰ساله مذهبی اروپا شروع شد**

## پست «دستیار مردمی سازی» به ساختار دولت در مرکز و شهرستان‌ها اضافه شد

# بازی تبلیغاتی مشاوران رئیسی

**همدلی** | ساختار دولت به گفته بسیاری از کارشناسان بسیار بزرگ است. تعداد نیروهایی که در دولت و در وزارتخانه‌های مختلف کار می‌کنند، طبق بررسی‌ها بیش‌تر از نیاز است. همین مازاد نیرو باعث شده تا هم کارایی بروکراسی اداری دولت کاهش یابد و هم اینکه هزینه زیادی به دولت تحمیل شود. این موضوع زمانی اهمیت پیدا می‌کند که کشور با کسری بودجه مواجهه است. حالا که دولت می‌گوید توان پرداخت حقوق همه کارکنان را ندارد و گاهی برای پرداخت حقوق ماهانه با مشکلات جدی مواجه می‌شود، بسیاری از دولت‌تقاضا می‌کنند که ساختار خود را کوچک کند و از اتلاف هزینه‌های عمومی جلوگیری کند؛

## پس از سازمان شانگهای از یک پیمان اقتصادی دیگر هم محروم شدیم؛

# مخالفت چین با حضور ایران در «بریکس»



روزری که دهه شصتی‌ها آفریدند، اما پیره آن را نپردند

# دوم خرداد دمکراسی ناتمام

**محسن خرامین** - ربع قرن از دوم خرداد ۷۶ می‌گذرد؛ رویدادی که تا سال‌ها به‌عنوان یک رویداد مهم سیاسی در معرض گرامی‌داشت و تقدیس از سوی طرفداران و نفی و تکفیر از سوی مخالفانش بود؛ اما اکنون بعد از گذشت سال‌ها، آن رویداد به سمت تبدیل شدن به یک رویداد تاریخی برای مطالعات پژوهشی و آکادمیک و در بهترین حالت سویه‌ای نوستالژیک برای کسانی پیش می‌رود که آن رخداد سیاسی و قبل و بعد از آن را تجربه کرده‌اند. نوستالژی‌های دوم خرداد بیشتر متوجه نسل دهه شصتی بود که در دل فشارها و سختی‌های دوران جنگ متولد شده بود و بعد از آن تعریف گنگ و مبهمی از سازندگی در اخبار رسمی شنیده بود. دوم خرداد ۷۶ نقطه آغازی برای ورود آن نسل به عرصه متفاوت و جدید سیاسی و عمومی کشور بود. برای دهه شصتی‌ها، دوم خرداد ۷۶ با شور و شوقی مهم حول نامزد آن روزهای انتخابات یعنی محمد خاتمی شکل گرفت. یک فضای انتخاباتی متفاوت و پرهیجان در ماه‌های پایانی سال ۷۵ و بهار ۷۶ سامان گرفته بود. بسفرهای انتخاباتی و سخنرانی‌های خاتمی کاملاً با گذشته متفاوت بود که با استقبال و همراهی عمومی مواجه می‌شد. در نهایت نیز یک رای بالا و دور از ذهن برای او، دوم خرداد را به ماندگارترین مناسبت انتخاباتی و سیاسی بعد از انقلاب اسلامی تبدیل کرد. دوره ریاست جمهوری خاتمی اولین مواجهه نسل دهه شصت با روزنامه‌های رنگی، جدید و جذاب بود که فعالیت‌های دانشجویی و کنش‌های سیاسی بود. واژگان و اصطلاحاتی همچون توسعه سیاسی، مشارکت، تساهل، گفت‌وگو و ... نیز با وجود نامفهوم بودن در ابتدا اما کم‌کم جای پای خود را در ادبیات سیاسی و فرهنگی آن نسل پیدا کرد تا این اتفاقات سبب برجستگی بیشتر دوم خرداد شود.

یک گروه ستم‌پات و رادیکال از ابتدا حول این رویداد شکل گرفت که چنین رویدادی را یک نقطه عطف تاریخی و به تعبیر «ان‌بدیو» یک رخداد در گسست با قبل از خود می‌دانست که هرگز به پایان نمی‌رسد. این گروه دوم خرداد را هم‌سطح انقلاب مشروطه و گاهی بالاتر از آن می‌دانستند و بر این باور بودند دوم خرداد در مقابل توسعه سیاسی مولود دوم خرداد در به محاق بردن آن نقش بازی کرد. در به محاق رفتن یا آنچه برخی منتقدان تحت عنوان «مرگ دوم خرداد» از آن یاد می‌کنند عملکرد و دستاوردهای سیاسی و فرهنگی جریان سیاسی دوم خرداد و همچنین برخی بی‌تدبیری‌ها و اشتباهات این گروه نیز نباید دست‌کم گرفته شود؛ جریان و

نماینده مجلس:  
**خرمشهر هنوز در سال ۶۱ مانده است**  
انتقاد نمایندگان از بی‌توجهی دولت به تذکرات مجلس  
**تهران جزو ۵ استان پرتنش آبی است**  
حمایت از تولید یا توقف تولید؟  
**افزایش حق مسکن کارگران به اردیبهشت نرسید**  
**آمار سقط جنین به روایت مجمع تشخیص مصلحت**  
فصل جدید روابط تهران - مسقط در آستانه دیدار رئیسی  
**سفر به سرزمین میانجی**

**یادداشت**  
**هنوز هم دوم خرداد**  
**محسن صنیعی**  
مدرس دانشگاه  
دوم خرداد، همیشه یادآور دوم خرداد ۷۶ است. ۲۵ سال از دوم خرداد ۷۶ گذشت. برای توصیف بهتر شرایط شاید بهتر است که گفته شود ربع قرن از آن روز گذشت. اگر کودکی از دوم خرداد ۷۶ متولد شده است، الان مرد یا زنی بزرگ و رشید است. انتخابات ۷۶، هیجان، شور و شوق از یک‌طرف و از طرف دیگر، تلاش بی‌حوصله برای آن‌که رای طرف مقابل را به‌حق مطلق منتسب کردن، البته شاید نامزد آن انتخابات، آنچه برای او انجام شد، نمی‌پسندید. حتی مهدی نصیری، امروز از انتشار ویژه‌نامه صبح در آن ایام، خوشحال نیست و آن را اشتباهی بزرگ می‌داند. نظری که به نام کیومرث صابری منتشر شد. تاریخی حق و باطل جلوه دادن صحنه انتخابات بود که یکی در جهش حق است و دیگری مقابله آن یعنی باطل و جالب است که هر دو کاندیدای مورد تأیید شورای نگهبان بودند؛ از دیگر موارد قابل‌ذکر آن روزهاست. آن دوران با خاطرات تلخ و شیرین، چه زود گذشت. یاد نمی‌رود پیرومردی بی‌آنکه مرا بشناسد به من گفت نام سید را برای من بنویس که احتمالاً اگر کسی برای او رای می‌نویسد انطباق دهد که حتماً رای درست نوشته شده است. قطعاً هنگامی که خاتمی در بهمین‌ماه ۱۳۷۵، با په صحنه گذاشت، تصور نمی‌کرد که حتی پیروز انتخابات باشد؛ ولی دوم خرداد، آفریده شد. بیست‌وینج سال از شروع جنبشی که به نام اصلاحات نام‌گذاری شد. گذشت. در این دوران، تاریخ ما فرازوفرودهای مختلف در تاریخ اصلاح‌طلبی ایرانیان است و به باور ما، پیام رجعت جامعه ایران به آزمان‌های بزرگی بود که پدیدآورندگان انقلاب اسلامی و انقلاب مشروطیت به دنبال آن بودند. توسعه جامعه مدنی سید محمد خاتمی، در حقیقت نهادینه کردن آزادی و جمهوریت بود، به‌طوری‌که همه الزامات جمهوریت از وجود احزاب و رسانه‌های مستقل و دخالت خرد جمعی بر ارکان قدرت و دخالت خرد جمعی تعیین سیاست‌های کلان کشور، مورد توجه قرار گیرد. دوم خرداد، رجعت به همان آرمان استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی بود که انقلاب بر اساس آن شکل گرفت و در قانون اساسی نهادینه شده است.  
**ادامه در صفحه ۵**

**یادداشت**  
**اتفاقات ورزشگاه تبریز از تگاهی دیگر**  
**سعید درویشی**  
روزنامه‌نگار  
همه علل اتفاقات ورزشگاه یادگار امام تبریز در مسابقه تراکتور و پرسپولیس به پای‌ترکیسم ربط ندارد. ریشه اهالی آذربایجان ایران، از قوم ترک نیست بلکه ایرانیانی اصل هستند که تنها به زبان ترکی صحبت می‌کنند و این هم دلیل تاریخی دارد. دکتر محمدجواد مشکور در کتاب «ظری به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی جمعیت‌شناسی آن» می‌نویسد: «حوادث متناوب یکی بعد از دیگری آذربایجان را آماج تهاجمات پیاپی قرار داد. بعد از سلاجوقیان، دور سلسله جنبانی ترکان آتپای یا اتابکان اغوز و با نفوذ این اقوام و گسترش زبان ترکی، سیطره زبان آذری محدود و رفته‌رفته رو به کاهش نهاد.» این یکی از دهها سندی است که ثابت می‌کند گویش امروز مردم آذربایجان به زبان ترکی، ربطی به ریشه سرزمینی آن‌ها ندارد، زیرا مردم آذربایجان اصالت ایرانی دارند و در خصوص نام «آذربایجان» نیز باید بدانیم که بر اساس دایره‌المعارف اسلام، دایره‌المعارف ایرانیکا و دیگر منابع، واژه آذربایجان از واژه اتروپات، نام ساتراپ (فرماندار) ایرانی مساک کوچک در زمان حمله اسکندر به ایران، نشأت گرفته است. در واقع، «آذر» تغییر یافته «آتر» (آتش) و «ایجان» تغییر یافته «پاتگان» (جایگاه نگهبان) است. حال که روشن شد بین آذربایجانی و ترک تفاوت وجود دارد، برای هرپیز از درازنویسی سریعاً به اصل موضوع پرداخته می‌شود. آشوب و بلوای ورزشگاه، توسط تعداد زیادی از جوانان به وجود آمد. در همه دهه‌های گذشته نیز جوانان طرفدار فوتبال به ورزشگاه می‌رفتند اما این حجم از ناهنجاری، درگیری، فحاشی و حمله دیده نمی‌شد. پدران این جوانان مثل آن‌ها تا این حد آتشین و دعوایی نبودند، پس این نسل عصیانگر حاصل چیست؟ اگر میانگین سنی جوانانی را که در روز مسابقه تراکتور و پرسپولیس مسئول آشفته‌گی و شورش بودند، ۲۰ سال فرض کنیم، بدین معناست که بیشتر آن‌ها متولد نیمه اول دهه ۷۰ هستند. در آن نیمه‌دهه، فکر می‌کردیم با پایان جنگ تمامی مشکلات حل شده و آینده روشن است. درحالی‌که حقیقت نهفته این بود که زیربنای فرهنگ جامعه امروز و مخصوصاً جوانان در حال شکل گرفتن بود، اما کسی متوجه نبود. سپس از نیمه دوم دهه ۷۰ با ظهور دولت اصلاحات که پایه‌گذار آزادی‌های شهروندی در کشور بود، تصور خوشبختی و رفاه در بین مردم تقویت شد. ظهور مطبوعات جسور، افزایش بشقاب‌های ماهواره در خانه‌ها و موسیقی پاپ شاخص‌های نیمه دوم دهه ۷۰ در بخش فرهنگی جامعه بودند. بنابراین کل دهه ۷۰ با نگاهی فاقد آینده‌نگری فرهنگی در بین خانواده‌ها گذشت. در دهه ۷۰ خانواده‌ها چنان

**یادداشت**  
**ماجرای فرزندان ایران**  
**محمدجواد پهلوان**  
مدیرس دانشگاه  
ماجرای یوزپلنگ در اسارت به نام ایران و سه فرزندش چقدر نمادین و جالب شده است. گویی این هم‌زمانی نوع فارغ شدن «ایران» و مصائب و مشکلاتی که این روزها گریبان کشور و مردم را گرفته حکمتی دارد. پس از مدت‌ها تلاش و پیگیری، مسئولان مرتب خبر می‌دهند که یوز ایرانی بالاخره باردار شده و در آینده‌ای نزدیک خبرهای خوشی منتشر می‌شود. روز موعود می‌رسد، یوز دربند با عمل سزارین فارغ شده و اعلام می‌شود که هم تولد یوزها سالم هستند و هم ماده یعنی سه توله متولد شده می‌تواند عملی باشند برای استمرار زادوولد این گونه نادر و در حال انقراض محیط‌زیست ایران. ولی هنوز بساغانی از درج اخبار نگذاشته که مشخص می‌شود اولاً تشخیص جنسیت توله یوزها اشتباه بوده (!) و ثانیاً به دلیل اقدامات اشتباه و سهل‌انگاری هنگام عمل سزارین، مادر فرزندان خود را نپذیرفته و از شیر دادن به آنان امتناع می‌کند. البته این پایان اشتباهات نبود؛ چرا که بعد از محرز شدن اینکه ایران به توله‌های خود توجهی ندارد اقداماتی برای تغذیه و رشد توله یوزها شروع می‌شود. لیکن بی‌تجربگی و نبود کارشناس واقعی و کاربلد باعث می‌شود از سه توله متولد شده دو توله از بین بروند و خبرهای آخر حکایت از آن دارد که حال توله سوم نیز مساعد نیست. جالب آنکه عنوان شده کسانی بر بالین ایران و فرزندان آن بوده‌اند که تا کنون یوز را از نزدیک ندیده‌اند؛ نکته اما اینجاست که شرایط و اوضاع یوز ایرانی در اسارت چقدر شبیه به حال و اوضاع کشورمان ایران است. جراحی اقتصادی اگرچه واجب و لازم است اما سوگندنامه توسط کسانی در حال اجراء است که تا کنون رنگ اتاق عمل را ندیده‌اند و ابتدا اشرافی به اقتصاد و مسائل حساس مربوط به آن ندارند. این افراد مدعی هستند درد و خونریزی در اجرای این جراحی طبیعی است که البته سخن درستی است ولی آیا ایماز که همان قشر ضعیف جامعه هستند توانایی تحمل چنین عوارضی را دارند؟ از آن طرف چه تضمینی به‌واقع وجود دارد که در میان مدت، نشانه‌های بهبود اقتصادی هویدا شود؟ نکته مهم‌تر آنکه تیم اقتصادی فعلی دولت سیزدهم تقریباً همان افراد و تیمی هستند که طرح هدفتندی یازانه‌ها در دولت احمدی‌نژاد را پی‌ریزی و بدین شکل اجرا کردند. هنوز هم که هنوز است اقتصاد کشور از زخم‌های نحوه اجرای آن طرح دردم می‌کشد! شاید بتوان گفت در بدترین زمان ممکن و به دست نابلدترین افراد یکی از حساس‌ترین و سرنوشت‌سازترین تحولات اقتصادی کشور در حال اجراء است. نمی‌توانم کلان‌سیاه به موضوع بنگرم. چه‌سایه‌بتوان با تزریق و اضافه کردن افرادی به تیم اقتصادی دولت و حذف برخی افراد قدری به آینده امیدوار شد؛ ضمن آنکه حتماً نباید از جراحی در سیاست خارجی غافل بود.